



معرفی کتاب

سری

ابراهیم افشارزنجانی

فرهنگنامه کودکان و نوجوانان / شورای کتاب کودک تهران:
شرکت تهیه و انتشار «فرهنگنامه کودکان و نوجوانان»، ۱۳۷۱،
سی و دو، ۲۲۷ ص، مصور، ج ۱، ۱۰,۰۰۰ ریال.

نبود یک دایرة المعارف عمومی معتبر و قابل فهم برای جوانان و عامه مردم ما کاملاً حس می شود. در حالی که نقش سرنوشت ساز و تعیین کننده توسعه پایه های دانش و فرهنگ در سطح وسیع ترین توده های مردم همواره مورد تأیید است، چنین کمبودی قطعاً موجه نمی نماید.

کتابهای درسی ما هر قدر هم خوب و سنجیده تهیه شده باشند، باز نخواهند توانست به همه سؤالات فزاینده دانش آموزان ما در دوران انقلاب ارتباطات پاسخ گویند. تلویزیون و رادیو و سایر رسانه ها در همان حالی که شبانه روز امواج اطلاعات را به سوی شنوندگان خود می رانند، امواج پرسشها را نیز برای آنان می آفرینند که باید به آنها پاسخ دقیق و علمی داده شود.

متأسفانه کارنامه جامعه روشنفکران کشور، در انتقال دانش خود به عامه در هیأت یک دایرة المعارف عمومی عامه فهم چندان درخشان نیست. تنها دایرة المعارف عمومی فارسی به معنای دقیق کلمه (دایرة المعارف فارسی زیر نظر غلامحسین مصاحب)، در حالی که ۲۶ سال از انتشار نخستین جلد آن می گذرد، هنوز کامل نشده است و علاقه مندان آن ده سالی است که در انتظار انتشار سومین و آخرین جلد آن هستند. همین دایرة المعارف به رغم ارزشهای والای آن، از زبان و بیانی برخوردار است که بیشتر برای تحصیلکردگان قابل استفاده است تا عامه و نوجوانان. سه دایرة المعارف دیگری که پس از انقلاب اسلامی کار تدوین آنها آغاز شده است، گذشته از آنکه عمومی نیستند دایرة المعارفهای مفصلی هستند که روی سخنشان با محققان و متخصصان است.

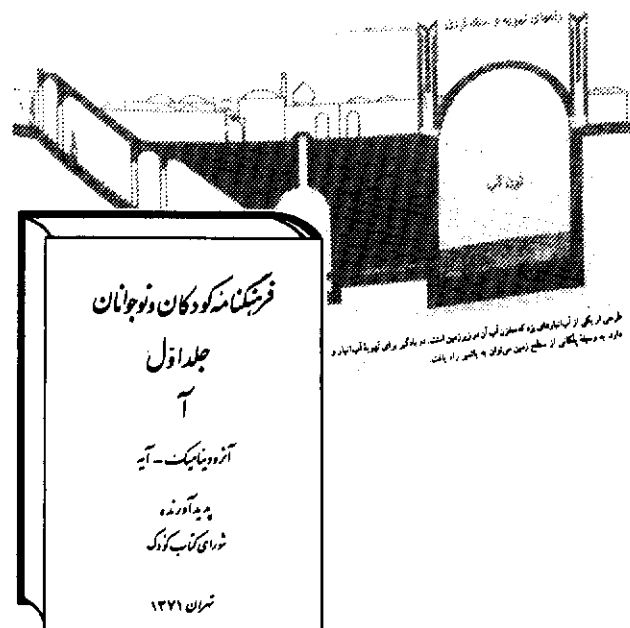
کار دایرة المعارفی برای کودکان و نوجوانان در زبان فارسی از این همه مختصرتر است. جدی ترین اقدام در این باره ظاهراً ترجمه فرهنگنامه تألیف برتا موریس پارکر (تهران، جیبی، ۱۲۴۶) بوده است. انتشار این فرهنگنامه اقدامی بود که همزمان با انتشار دایرة المعارف فارسی (تهران، ۱۳۴۵) و توسط همان ناشر صورت پذیرفت. فرهنگنامه برتا موریس پارکر نیز با وجود امتیازات آن، از قبیل صحت و رعایت اسلوب دایرة المعارف نویسی برای کودکان و نوجوانان و جذابیت های بصری آن، باز همان گونه که ناشر روشن اندیش آن در ابتدای جلد یکم گفته است، به خاطر آنکه در اصل خارجی است، بیشتر به مسائل خارجی پرداخته است و یک جلدی که خاص سرزمین و فرهنگ ایران به آن افزوده شده است، وقتی که در نظر بگیریم ۵۰٪ از فرهنگنامه تهیه شده شورای

می کنند. کتب گودال را شفته می ریزند. پس از خشک شدن شفته بوز مخزن را با سنگ یا آجر آبدیده و ملایم شفته می چینند و بالا می آورند و گاه، کف و سطح دیوار مخزن را با ساروج (مخلوط آهک و خاکستر، آب، یا با گلی آهک آبیخته با سقیفه) تزیین می کنند و آبدی می کنند. نفوذناپذیر شود و آب از آن نشت نکند. روی ساروج را با پنبه، خر شسته ای سنگی، چند روز بی روی مهر می زنند تا آب انبار به اصطلاح و غرقه کند و نشان دهد که ساروج خودش را خوب گرفته است. سپس روی دیوار آب انبار طای می زنند. در پای هر طای محصولات سواراج را آب می گذارند. یکی از سه سواراج برای پر کردن آب انبار از آب و دو سواراج دیگر برای سرریز شدن آب پس از پر شدن آب انبار است. در مناطق گرم و گرمی چند سواراج با دیگر نیز در حاشیه و سرفاق می گذارند. پله های آب انبار را در راهرو شیبدار می سازند و به پل نی می سازند. در تپ یا شیره یعنی ذی شیرها، چاهی می کند یا ساق پرور شده از کوزه یا سطل در آن بریزد. روی پلکان معمولاً سقف می زنند. سرفاق پلکان را با آجر یا کاشی یا آجر نقشدار می آریند. روی سرفاق انبارهای بزرگ وقتی معمولاً کتیبه هایی از سنگ یا سنگ مرمر یا کاشی که نام وقف کننده و سازنده یا تصویر کننده آب انبار بر آنها نقش شده است کار می گذارند. گاهی بر کتیبه سرور آب انبار چند جمله دعای یا تم مناسب هم نقش می کنند.

بعضی از آب انبارهای عمومی دارای دو پلکان جداگانه هسته که هر کدام چند پاشیر و شیر برای برداشتن آب دارند. بعضی از آب انبارهای عمومی پاشیر و شیر ندارند و مردم آب را با قلو یا سطل از دهانه مخصوص مخزن بر می دارند.

۸۹ آب انبار
اینست در آب انبارهای عمومی، و معمولاً در زیر زمین یا گودال از سطح زمین بنا می کنند. آب انبار را به دو تنبیه می سازند. یک تنبیه برای است که نخست دیوار مخزن آب انبار را می سازند. اول، روی زمین دو جاره می حفر، که تمام آنها یک تا یک و نیم متر تفاوت دارد می کنند. بعد زمین فاصله میان پیرامونهای دو دایره را ۱۰ تا ۱۵ متر فاصله می کنند. بعد زمین فاصله میان پیرامونهای دو دایره را ۱۰ تا ۱۵ متر فاصله می کنند. و در روی نیز به پنبه ۳ تا ۴ متر یا نبی، شفته از سطح زمین تا کف قود برای ساختن پله آب انبار می کنند. آن گاه، شفته گودالی شده را با شفته (دوغاب آهک و خاک و شن) یا گلی آهک و قلو، سنگ بر می کنند و تا نزدیک سطح زمین بالا می آورند. در هنگام ریختن شفته، شیرهای طای آب انبار را با لوله هایی که به آنها وصل شده اند در پای پله های راهرو کار می گذارند. این بی دیوار مخزن آب انبار را تشکیل می دهد. پس از خشک شدن دیوار، زمین دایره دومی را تا بی دیوار گودالی می کنند. در کف این گودال که مخزن آب انبار است، شفته می ریزند. پس از خشک شدن شفته طای آب انبار را می سازند. برای ساختن طای نخست دیوارهای به پنبه نیم متر یا شست یا آجر روی دیوار مخزن می چینند. روی این دیوار، دیوارهای دیگر، به همان پنبه و با شاهی کوچکتر می سازند. به همین ترتیب، دیواره، روی دیواره با شاهی کوچکتر می سازند تا به سر طای برسد. این دیوارها شاهی بیروی طای گندی را به شکل پلکانی گرد در می آورد. برای جلوگیری از فرسایش طای و خودآباران به دیوار آب انبار، فاصله پله های روی طای را با کاشی پر و هموار می کنند.

تنبیه دیگر این است که نخست مخزن آب انبار را می سازند. اول، روی زمین شکلی گرد یا چهار گوشه می کنند. بعد، دیوار آن را گودالی



کودک، راجع به ایران و اسلام است، طبعاً نمی‌تواند جوابگوی تمام نیازهای بالقوهٔ نوجوان ایرانی باشد. ناشر ایرانی فرهنگنامه برتا موریس پارکر اقدام خود را در ترجمه این اثر قدیمی در راه تألیف اثری مشابه برای نوجوان ایرانی دانسته است که اقدام به آن را در آن زمان هنوز غیرعملی ارزیابی می‌کرده است.

اینک به نظر می‌رسد که با انتشار نخستین جلد فرهنگنامه کودکان و نوجوانان آن زمان فرا رسیده است که نوجوان ایرانی و فارسی‌زبان نیز بخت آن را یافته باشد که دایرةالمعارفی را که برای او نوشته شده است در اختیار داشته باشد.

جلد اول شامل عنوانهای حرف «آ» حاوی ۱۸۴ مقاله کوتاه و بلند است. بلندترین مقاله آن «آسیا»، در ۴/۱۵۳ صفحه^۱ (اگر مقاله «آموزش و پرورش» را با دو مدخل «آموزش و پرورش در ایران»، «آموزش و پرورش در جهان» با مجموع ۱۷/۴ صفحه در نظر نگیریم) و کوتاهترین مقاله‌های آن در ۱/۸ صفحه است (هر صفحه شامل دو ستون ۴۰ سطری و هر سطر به طور متوسط ۱۰ کلمه). اگر درست حساب کرده باشیم، علوم انسانی و هنر و سرگرمی با ۹۷ مدخل ۱۳۰ صفحه از این جلد را به خود اختصاص داده است. که از این میان جغرافیا با ۴۱ مدخل در ۵۸ صفحه و تاریخ با ۱۷ مدخل در ۱۷ صفحه بیشترین فضا را به خود اختصاص داده‌اند. علوم و تکنولوژی شامل تکنولوژی‌های سنتی با ۸۳ مدخل در ۹۸ صفحه (علوم با ۵۳ مدخل در ۵۷/۵ صفحه و تکنولوژی با ۲۹ مدخل در ۴۰/۵ صفحه) در کتاب عرضه شده‌اند. در میان علوم، شیمی با ۱۴ مدخل در ۱۴ صفحه و فیزیک با ۸ مدخل در ۱۲/۲۵ صفحه در صدر قرار دارند و در تکنولوژی سنتی (که می‌تواند جزو مباحث مردم‌شناسی نیز به حساب آید) با ۹ مدخل در ۱۲/۸ صفحه و مهندسی با ۸ مدخل در ۱۲ صفحه بیشترین فضا در علوم عملی را به خود اختصاص داده‌اند.

پراکندگی موضوعی مطالب کتاب نشان می‌دهد که تهیه‌کنندگان آن سعی بسیاری در حفظ جامعیت موضوعی اثر از خود نشان داده‌اند و از خطر فراموش کردن عرصه‌هایی از دانش بشری جسته‌اند. این را باید مدیون روشنمندی کار آنها در گزینش عنوانها دانست که بیش از دو سال به طول انجامید (مقدمه، ص هجده) و به هیچ وجه روند ساده‌ای نبوده است: بررسی کتابهای درسی دوره‌های دبستان و راهنمایی تحصیلی و سالهای اول و دوم دبیرستان و استخراج عنوانهای فرهنگنامه برتا موریس پارکر و دایرةالمعارف مصاحب و عنوانهای دایرةالمعارفی لغتنامه دهخدا و فرهنگ فارسی معین و طبقه‌بندی موضوعی آنها در ۳۴ گروه و عرضه آنها به صاحب‌نظران مختلف با هدف شورای کتاب کودک برای «پدید آوردن فرهنگنامه‌ای عمومی که به

پرسشهای کودکان و نوجوانان ۱۰ تا ۱۶ سالهٔ ایرانی پاسخهای درست و دقیق و مناسب بدهد» (مقدمه، ص هجده) هماهنگ از آب درنیامد زیرا «برخی از عنوانها از حدود دانش پایه کودکان و نوجوانان فراتر می‌رفت و بسیاری عنوانهای مورد نیاز و درخور فهم کودکان و نوجوانان در میان آنها یافت نمی‌شد» (همانجا). بنابراین به گروههای متخصص در رشته‌های گوناگون رو آورده می‌شود تا به گزینش مجدد و تکمیل عنوانها بپردازند. ایشان با مراجعه به منابع تخصصی خود و با توجه به کتابهای مرجع عنوانهایی را انتخاب می‌کنند و کار بدین صورت شکل نهایی خود را می‌یابد. نگاهی به اسامی ۵۲ نفر پیشنهاددهندگان موضوعها و عنوانهای فرهنگنامه (مقدمه، ص ده) میزان توجه تهیه‌کنندگان فرهنگنامه را به حفظ جامعیت مطالب آن، بر هر اهل نظری روشن می‌کند.

مقالات این نخستین جلد را ۶۲ تن از کارشناسان رشته‌های مختلف نوشته‌اند. گذشته از یک نفر که با تألیف ۳۱ مقاله با میانگین سرانه تهیه مقاله توسط دیگران فاصله فاحش دارد، هر همکار فرهنگنامه در جلد یکم به طور متوسط ۲/۵ مقاله برای این جلد تهیه کرده است (نام و رشته و درجه تحصیلی نویسنده هر مقاله را از راه شماره‌ای که در پایان مقاله آمده و به فهرست شماره‌دار نام پدیدآورندگان در مقدمه مربوط می‌شود می‌توان یافت). بی آنکه بخواهیم در صلاحیت بقیهٔ نویسندگان مقالات تردید کنیم، باید بگوییم که ۶۶٪ از مقالات توسط کسانی نوشته شده است که رشته تحصیلی‌شان با موضوع مقاله انطباق کامل داشته است. این انطباق در مورد مقالات حوزه علوم و تکنولوژیک به ۸۵٪ می‌رسد. این در حالی است که بقیه مقالات بیشتر مقالات جغرافیایی هستند که در مورد جغرافیای جهان احتمالاً بیشتر مبتنی بر ترجمه از منابع معتبر بوده و در مورد جغرافیای ایران نیز اطلاعات در باب آنها فراوان‌تر است. با وجود این هیأت ۱۷ نفری ویراستاران موضوعی (مقدمه، ص دوازده) و سپس هیأت ۲۱ نفری مشاوران متخصص (مقدمه، ص سیزده) که گروه اخیر از چهره‌های سرشناس و طراز اول علمی کشور هستند، هر مقاله را پیش از ویرایش نهایی از نظر می‌گذرانند و راه خطا و نقصان را بر آن می‌بندند.

بدین ترتیب می‌توان ادعا کرد که آنچه از طریق این فرهنگنامه به دست خواننده نوجوان و جوان ایرانی می‌رسد از درجه اعتبار بالایی برخوردار است و بدین ترتیب فرهنگنامه کودکان و نوجوانان محملی برای انتقال دانش کارشناسی متخصصان و دانشمندان ایرانی به سطح وسیع توده‌های جامعه است و تحقق ادای دینی است که در آغاز این نوشته به آن اشاره رفت.



اعتماد به نفس کند. نتایج مثبت و عالی مساعی تهیه کنندگان فرهنگنامه در پرداختن به تألیف و پرهیز از ترجمه صرف از منابع خارجی در زبان و بیان و تصاویر کتاب نیز جلوه خاص یافته است که به زودی به آنها اشاره خواهد شد.

ساختار فرهنگنامه

از آنجا که کتابهای مرجع از جمله دایرةالمعارفها برای استفاده موردی تهیه می‌شوند، لازم است دارای ساختاری باشند که این شیوه بهره‌گیری را تسهیل کند. چند صد سال تجربه پیوسته، دایرةالمعارفها را از حالت مجموعه‌ای از رساله‌های منفرد که هریک در باب رشته‌ای از علوم تألیف و برحسب نظامی از طبقه‌بندی علوم که موردپسند تهیه کنندگان آنها بود تنظیم می‌شدند، به شکل مجموعه‌ای از مقالات کوتاه و بلند با نظم الفبایی درآورده است و سپس با افزودن نمایه‌های کمکی به پایان متن اصلی کاربازیبایی اطلاعات ریزتری که مدخل مستقل ندارند، نیز میسر گردیده است. تقسیم هرصفحه به نواحی مختلف، حتی زحمت جستجوی تمام یک صفحه واحد را نیز در پی یک اطلاع خاص، کمتر کرده است.

از مهمترین تدابیر نوینی که امر بهره‌گیری از دایرةالمعارف را توسعه می‌بخشد شبکه ارجاعات درون‌متنی و برون‌متنی است که اولی با مشخص کردن (معمولاً تغییر شکل حروف) کلماتی در درون مقاله صورت می‌گیرد که خود مدخل مقالات دیگر قرار گرفته‌اند، و دومی در انتهای هر مقاله در قالب جمله‌ای که خواننده را به خواندن مقاله مربوط دیگری هدایت می‌کند، چهره می‌بندد.

در فرهنگنامه حاضر نظم الفبایی ساده‌ای به کاررفته است که در مقدمه (ص سی) به خواننده معرفی شده است. بسیاری از نامهای خاص و اصطلاحها با حروف متمایز نوشته شده‌اند که البته تنها برخی از آنها در فرهنگنامه مدخل جداگانه دارند (ص سی و یک) اما این «برخی» کدامها هستند؟ ظاهراً ملاکی برای تشخیص آنها وجود ندارد، و این می‌تواند برای خواننده علاقه‌مند و پی‌گیر، موجب مراجعات بی‌ثمر شود. همین عدم تشخیص میان نامهای خاص و اصطلاحاتی که در فرهنگنامه مقاله دارند با آنها که ندارند، سبب می‌شود که، چنانکه در مقدمه نیز اشاره شده است (ص سی و یک) هنگامی که ترکیبی از نامهای خاص و اصطلاحات در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، خواننده نداند ذیل کدامیک از آنها مقاله مستقلی در فرهنگنامه وجود دارد.

ارجاعات برون‌متنی «نیز نگاه کنید» در فرهنگنامه به صورت جمله‌ای مستقل در پایان هر مقاله خواننده را به خواندن مقالات

اشتراک در ۴؛ مدخل با دایرةالمعارف بزرگ اسلامی یک نشانه دیگر از توجه به فرهنگ اسلامی در فرهنگنامه است. طبق مقابله نگارنده، از مدخل‌های دایرةالمعارف بزرگ اسلامی تنها «آخرت»، «آخرالزمان»، «آستان حضرت عبدالعظیم»، «آستان حضرت معصومه» را به گمان اینجانب می‌توان برای درج در فرهنگنامه مناسب دانست، که در آن وجود ندارد برخی مدخلها هم در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی وجود ندارد، و در فرهنگنامه هست و در آنها توجه خاصی به فرهنگ اسلامی شده است. مانند مقاله مفصل آموزش و پرورش. ضمناً مدخل آل‌عبا در فرهنگنامه هست و در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی نیست.

تألیف یا ترجمه؟

با وجود این، وجه امتیاز بزرگ این فرهنگنامه را باید در تألیفی بودن آن جستجو کرد. این ویژگی گذشته از وارد کردن عنوانهایی که مستقیماً به ایران و اسلام مربوط می‌شود، و به گفته تهیه کنندگان نیمی از عنوانها را در بر می‌گیرد (مقدمه، ص نوزده) در مقالاتی نیز که عنوان آنها مستقیماً جنبه جغرافیایی و تاریخی و فرهنگی ایرانی و اسلامی ندارد نیز تجلی می‌یابد. بسیاری از مقالاتی از شمار مقالات علمی و تکنولوژیک که یا اطلاعات راجع به ایران را در ذیل سرفصل فرعی ذکر می‌کنند (مقاله‌های «آب»، «آبیاری»، «آلومینیم») و یا مصداق‌های مربوط به بحث خود را تا آنجا که امکان دارد از منابع بومی می‌آورند. رنج این اهتمام ارزشمند را شورای کتاب کودک برای آنکه مشکل ناهماهنگی مطالب را با «دانش پایه، تجربه، محیط زندگانی کودکان و نوجوانان ایرانی و کاربرد تکنولوژی در جامعه ما» برطرف کند (مقدمه، ص بیست)، بر خود هموار کرده است. بدین ترتیب فهم مطلب علمی و تکنولوژیک، از آنجا که مصادیق عنوان شده در مقاله برای خواننده ملموس و آشناست، آسان‌تر می‌گردد. یک نتیجه غیرمستقیم این اهتمام، که اهمیت آن از آنچه پیش از این گفته شد کمتر نیست، تثبیت هویت فرهنگی و تقویت اعتماد به نفس قومی است که از این طریق در خواننده شکل می‌گیرد؛ چیزی که با مواجهه خواننده با یک اثر خارجی ترجمه شده، که طبعاً به سرزمین و فرهنگ و تمدن بیگانه پرداخته است، عکس آن روی می‌دهد، و هویت خواننده نوجوان و هرچه را که به او مربوط می‌شود، در نظرش از رسمیت می‌اندازد و زمینه‌های خودباختگی و بیگانه‌شیفتگی را در او فراهم می‌کند. طبیعی است که نوجوان ما وقتی نام و وصف شهر خود و جلوه‌های محیط طبیعی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی خود را در هیأت یک اثر مکتوب مجلد ببیند، خشنود شود و احساس

مرتبط و ارجاعات «نگاه کنید» او را از واژه‌هایی که مدخل قرار نگرفته‌اند به اشکال معادل هدایت می‌کنند.

ساختار مقالات

رعایت الزامات ناشی از بهره‌گیری موردی و رعایت اصل صرفه‌جویی در وقت خواننده، ساختار خاصی را نیز برای خود مقالات نیز الزام آور می‌کند. این ساختار باید بتواند با موازین یادگیری منطبق باشد: حرکت از دانسته به نادانسته و حرکت از کلی به جزئی.

به ملاحظات فوق در تدوین فرهنگنامه، آگاهانه و با وسواس عمل شده است (مقدمه، ص بیست و سه) جمله نخست و پاراگراف نخست از هر مقاله حاوی کلی‌ترین اطلاعات درباره عنوان آن است و تصور کلی‌ای از موضوع آن را در ذهن خواننده ایجاد می‌کند. رعایت این نکته امکان بهره‌گیری سریع از هر مقاله را، که از خواص دایرةالمعارفهای معتبر است، فراهم می‌کند.

آگاهی‌های گسترده‌تر و جزئی‌تر را جمله‌های بعدی، و در صورتی که مقاله از یک بند (پاراگراف) بیشتر تشکیل شده باشد، بند یا بندهای بعدی در برابر خواننده می‌گسترانند. مقالات دراز، دارای سرفصلهای فرعی هستند و مدخلهای مشابه (مثلاً کشورها، شهرها، سلسله‌ها) دارای ساختار مشابه هستند که در مورد مقالات دراز به صورت سرفصل فرعی مشابه نمایان می‌شود.

به اینها باید راهنمای دقیق و عالی استفاده از فرهنگنامه را نیز افزود (مقدمه، ص بیست و شش - سی و دو)، که متأسفانه آغاز آن در میانه صفحه‌ای گم شده است که مطالب نیمه اول آن خطاب به خواننده نوجوان و کودک نوشته نشده است.

همه این مراقبت‌ها، هیأت دایرةالمعارفی پیشرفته‌ای را به فرهنگنامه می‌بخشد که صدالبته آسان به چنگ نیامده است. نگاهی به دو جزوه منتشر شده شورای کتاب کودک راهنمای نویسنده و ویراستار (نوشته شادروان ایرج جهانشاهی. تهران، ۱۳۶۶. ص) و صد و یک نکته (نوشته محمد همدانی، تهران، ۱۳۶۶. ص) که هر دو از نویسندگان و ویراستاران پرکار فرهنگنامه بوده‌اند، نشان‌دهنده مساعی دراز آهنگ و دقت نظرهای پروسوایی است که برای پایه‌ریزی آنچه امروز بخش کوچکی از آن در دست ماست صرف شده است.

زبان و بیان

حساسیت زبان و بیان کتاب مرجعی که برای افراد غیرمتخصص نوشته می‌شود، از زبان و بیان اثری مشابه، که مخاطبان آن متخصصان هستند، بیشتر است. گذشته از دقت و

صراحت و ایجاز، که رعایت آن در تهیه آثار مرجع الزامی است و اصطلاحاً می‌توان آن را «بیان دایرةالمعارفی» نامید، رعایت سادگی زبان و بیان در مورد دایرةالمعارفهای عامه‌فهم از اهمیت خاصی برخوردار است. زیرا مخاطبان این گونه آثار واژه‌های کمتری از زبان مادری خود را نسبت به کسانی که دارای تحصیلات عالی هستند بلدند و مهارتشان در ترکیب مفاهیمی که دریافت می‌دارند، چه شنیداری و چه خواندنی، باز کمتر از ایشان است و دانششان هم طبعاً همین وضع را دارد. از اینجا در نزد صاحب‌نظران تعلیم و تربیت دو اصطلاح «دانش پایه» و «واژگان پایه» شناخته شده است که، هر چند فراموش کردن آن توسط هر نویسنده‌ای با هرگونه مخاطبی نابخشودنی است، اما رعایت آن در مورد مخاطبان غیرمتخصص، به ویژه کودکان و نوجوانان و جوانان و عاقله مردم، چنانکه اشاره شد، از حساسیت بیشتری برخوردار است.

نزدیک کردن زبان نوشتاری به زبان گفتاری، قویاً مورد توجه تهیه‌کنندگان فرهنگنامه بوده است. زبان گفتار نمودار کاربرد بی‌تکلف و سالم و طبیعی زبان در نزد اهل آن است. ما از زبان گفتاری در مواجهه‌های روزمره خود، بدون اندیشیدن به «صناعات ادبی»، با رعایت اصل اقتصاد در گفتار، استفاده می‌کنیم. در گفتار روزمره جمله‌هایمان کوتاه است و از پیوسته به کار بردن فعل «است» در پایان جمله‌هایمان ایثاتی نداریم و آن را یکی در میان با مابه‌ازای سه بخشی آن «می‌باشد» تاخت نمی‌زنیم و از استفاده مکرر از حرف «و» برای ربط دادن آنها با هم نگران نیستیم و از فعلهای ساده استفاده می‌کنیم.^۲

ساختار نحوی جمله‌ها در فرهنگنامه، تا آنجا که بررسی نگارنده نشان می‌دهد ساده است. از فعلها در وجه‌های مجهور استفاده نشده است. از استفاده از وجه وصفی که موجب طولانی و دیرفهم شدن جمله‌ها می‌شود اکیداً خودداری شده است. جمله‌ها اکثراً کوتاه هستند و شمار کلمات آنها معمولاً از ۱۵ تا تجاوز نمی‌کند.

مراقبت در حفظ ساختار ساده نحوی، موجب شده است که هرگاه جمله‌ای به ناچار درازتر از حد فوق شود، فهم آن دشوار نگردد. در فرهنگنامه، برخلاف دایرةالمعارفهای تخصصی، از جمله‌های معترضه استفاده نشده است. این گونه جمله‌ها که از آنها به منظور ایجاز در بیان و کم کردن حجم نوشته در کتابهای مرجع تخصصی، زیاد استفاده می‌شود، گاهی موجب پیاپی آمدن افعال می‌شوند و جمله را طولانی و پیچیده می‌کنند. پرهیز از ترجمه حذف مقالات فرهنگنامه از منابع خارجی، این ویژگی را به آن می‌بخشد که مطلب هر مقاله از ذهن یک فارسی زبان پرورده شده



و به این وسیله از سرایت تأثیرهای نامطلوب زبان خارجی به آن جلوگیری می‌شود.

رعایت همه این ملاحظات موجب شده است که فرهنگنامه به حُسنی که در آغاز این بخش به آن اشاره شد دست یابد و زبان و بیانش با زبان رایج هماهنگ و نزدیک شود و در نتیجه فهم پیامهایش برای خوانندگان با مهارت زبانی کمتر ساده شود. با وجود این نثر فرهنگنامه نثری متین و محکم و آموزنده است، یعنی سر و کار داشتن مستمر با آن، خواننده را با حال و هوای زبان فارسی معیار آشنا می‌سازد و به مهارت نویسنده‌ی شخص مدد می‌رساند.

تصاویر

جذابیت‌های بصری فرهنگنامه از جنبه‌های فراموش‌نشده‌ی آن است. تهیه‌کنندگان فرهنگنامه پیش‌بینی کرده‌اند (مقدمه، ص بیست و دو) که ¼ از فضای صفحات فرهنگنامه به نقاشی، طرح، نقشه جغرافیایی، جدول دانستیها، و نمودار اختصاص یابد. این مقدار در جلد حاضر از این هم فراتر رفته به ½ کل می‌رسد. در مورد تناسب و جذابیت این تصویرها و جدولها و نقشه‌ها و کمک آنها به تکمیل متن هرکس می‌تواند نظری داشته باشد. اما همکاری گروهی از کارشناسان و صاحب‌نظران طراز اول تحت عنوان «گروه فنی» با فرهنگنامه (مقدمه، ص پانزده) در این زمینه نشان‌دهنده‌ی درجه اهمیت است که تهیه‌کنندگان فرهنگنامه به عنصر حیاتی جذابیت‌های بصری برای کار خود قائل هستند. اما گذشته از وضوح تصاویر و نقشه‌ها و کیفیت خوب آنها (با توجه به امکانات چاپ و نشر در کشور ما) و شمار فراوان تصاویر رنگی فرهنگنامه، آنچه که در مورد تصاویر قابل ذکر است، ایرانی بودن آنهاست. به جز تصاویری که به ناچار باید ایرانی یا غیرایرانی باشند (مانند تصاویر مربوط به مقالات جغرافیایی)، کوشش فراوان و موفقیت‌آمیزی به کار رفته است که تصاویر ایرانی باشند، این امر، که خود به برکت تأکید تهیه‌کنندگان به تألیفی بودن اثر حاصل آمده است، در مقالاتی که جنبه علمی و تکنولوژیک دارند خود را می‌نمایانند. مانند مقالات مربوط به «آبیاری» «آبخیز»، «آبشار»، «آبگرم»، «آبیاری»، «آجر»، «آرامگاه»، «آزمون»، «آسیاب» و «آموزش و پرورش». اینهمه به کتاب از لحاظ بصری نیز هویت ایرانی می‌بخشد.

ظاهر کتاب

فرهنگنامه بر روی کاغذ مقاوم و مرغوبی چاپ شده است، صحافی آن هم‌تراز صحافی دایرةالمعارف بزرگ اسلامی است که

به هرحال ظاهراً بهترین چیزی است که تهیه آن در کشور میسر است. قطع فرهنگنامه نیز رحلی است و هر صفحه آن، چنانکه قبلاً گفته شد، گنجایش دو ستون ۴۰ سطری (هر سطر با حداقل ۱۰ کلمه) را دارد. بدین ترتیب هر صفحه بدون تصویر آن حاوی بیش از ۸۰۰ کلمه است. صفحه آرای کتاب استادانه صورت گرفته است و حاشیه‌های آن مناسب است. اما عنوان‌ها که با حروف سیاه‌تر و کمی بیرون‌تر از سطرها درج شده، به نظر می‌رسد که اگر کمی مشخص‌تر می‌بود (درشت‌تر یا به رنگی دیگر، مثلاً قرمز) برای چشم ناآزموده مخاطبان بیشتر مناسب بود؛ به خصوص آنکه حروف عنوانها هم اندازه حروف نامهای خاص و اصطلاحات موجود در متن است و یکتا نیستند. اِعرابگذاری دقیق شمار بسیاری از کلمات دشوارخوان برآسانی مدد بزرگی به خوانندگان نوجوان و کودک، و چه بسا بزرگسال فرهنگنامه به شمار می‌رود که مسلماً با زحمت فراوان صورت گرفته است.

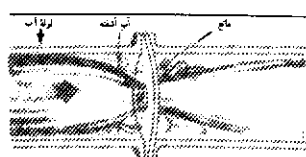
مخاطبان

هر چند در عنوان فرهنگنامه «کودکان» مقدم بر «نوجوانان» نشده‌اند، اما، این در واقع نوجوانان هستند که مخاطبان اصلی آن هستند. فرهنگنامه را «شورای کتاب کودک» به کودکان و نوجوانان ده تا شانزده ساله ایرانی پیشکش کرده است (مقدمه، ص شش). اگر مرز میان کودکی و نوجوانی را دوازده سالگی بدانیم، بر چنین ترجیحی نمی‌توان خرده‌ای گرفت، اما نگاهی به مدخلها، حجم مقالات (حجم نوشته‌های فرهنگنامه در حرف «آ») درست سه برابر حجم نوشته‌های فرهنگنامه برآر موریس پارکر در همین حرف است) زبان و بیان، حروف و قطع کتاب، آن را بسی بیش از آنچه اعلام شده است، هیأت آن را نوجوانانه و بلکه جوانانه کرده است. این نکته البته از نظر تهیه‌کنندگان نیز پوشیده نمانده است و خود به آن اشاره کرده‌اند: آنجا که به استفاده معلمان از فرهنگنامه برای پاسخگویی به پرسشهای کودکان و نوجوانان اشاره کرده‌اند (مقدمه، ص بیست و سه) یا از آن فراتر آنجا که اعلام شده است فرهنگنامه «به گونه‌ای تدوین شده که هم مناسب نسل جوان است و هم می‌تواند مورد استفاده گسترده خانواده‌ها و معلمان قرار گیرد» (سخن ناشر، مقدمه، ص هشت). بدین ترتیب زیاد بیراه نخواهد بود اگر فرهنگنامه را در نهایت دایرةالمعارف عمومی قابل استفاده برای همگان بدانیم که در کشور ما وجودش غنیمت است. تلاش تهیه‌کنندگان فرهنگنامه برای به دست دادن متنی منطبق با دانش پایه و واژگان پایه مخاطبان کودک و نوجوان و با زبان و بیانی ساده، درعین حال اثری (خواندنی و جذاب) و قابل استفاده برای عاقه باسوادان ما

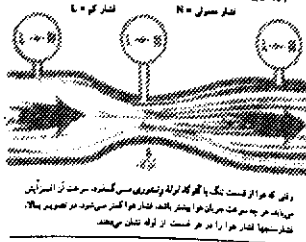


فشار آب سنگی دارد. هرچه انرژی بیشتری برای سرعت دادن به جریان آب مصرف شود، فشار آب کمتر می‌شود. هرچه انرژی کمتری برای سرعت دادن به جریان آب مصرف شود، فشار آب بیشتر می‌شود. به گفته دیگر، هر جا که سرعت زیاد شود، مقدار فشار کاهش می‌یابد.

دانشمندان دیگری نیز به کشف پرتوی علاقه‌مند شدند و به بررسی چگونگی جریان هوا در لوله‌هایی به شکلهای گوناگون پرداختند. چروانی و ونوری (Giovanni Venturi)، دانشمند ایتالیایی، از نخستین کسانی بود که به این گونه آزمایشها دست زدند. بعدها لوله‌هایی را که برای انجام دادن این گونه آزمایشها ساخته به افتخار او، لوله ونوری نامیدند. این لوله‌ها



پرتوی مایه چگونگی جریان آب در لوله‌ای که باریک و آهسته می‌شود به پژوهش پرداخت.



دانه که هوا از دست ندهد و اگر در لوله ونوری سرگشته، سرعت آن افزایش می‌دهد. هر چه سرعت جریان هوا بیشتر باشد، فشار هوا کمتر می‌شود و برعکس. فشار هوا را در هر قسمت از لوله می‌توان

آیرودینامیک (aerodynamique): شاخه‌ای است از علم مکانیک که موضوع بحث آن نیروهای هستند که بر اثر حرکت هوا یا گازهای دیگر بر اجسام وارد می‌شوند. نیروهایی که بر اثر هوای متحرک بر جسم ساکن، مثلاً بالدار کشتی، و از هوای ساکن بر جسم متحرک، مثلاً هواپیما، وارد می‌شوند از اصول و قانونهای یکسانی پیروی می‌کنند. واژه آیرودینامیک ترکیبی است از دو واژه یونانی به معنی هوا و نیرو.

اسان، فرها پیش از آنکه درباره آیرودینامیک چیزی بداند، متوجه شد، بود که هوای متحرک بر اجسام فشار می‌آورد. باد بر گلهای درختان را واکند می‌کند و شاخه‌های آن را می‌شکند. نوحان حتی می‌تواند درختان را از ریشه در درود و خانه‌ها را درهم بکوبد. شکارچیان دریافته بودند که اگر به از ششسر آنها بوزد، می‌توانند تندتر بمانند و نیزه‌های خود را آهونتر رتاب کنند. گریم انسان چگونگی استفاده از باد را آموخت. قایق بادبانی و آسیاب بادی اختراع کرد و با شناخت اصولهای مربوط به آیرودینامیک توانست از نیروی باد بیشتر استفاده کند. با به کار گرفتن این اصولها توانست جسمهای سنگینتر از هوا مانند هواپیما و هلیکوپتر و فوکرکرافت، را در هوا به حرکت درآورد.

اصل پرتوی
دانیل برنولی (د پرتویی (Daniel Bernoulli)، ریاضیدان سوئیس، در حدود سال ۱۷۳۰ م، چگونگی گذشتن جریان آب را از لوله‌هایی که بخشی از آنها باریکتر شده بود بررسی می‌کرد. مانعهایی به اندازه‌های متفاوت، در توله می‌گذاشت و تغییرات سرعت و فشار جریان آب را پس از گذشتن از این مانعها اندازه می‌گرفت.
پرتوی کشف کرد که سرعت جریان آب، در هنگام گذشتن از مانع، بیشتر می‌شود. هر جا سرعت آب بیشتر می‌شود، فشار معمولی آن کاهش می‌یابد. سرعت جریان آب، پس از گذشتن از مانع، کاهش می‌یابد و فشار آن بیشتر می‌شود و تقریباً به مقدار اولیه خود باز می‌گردد.
این پدیده را می‌توان به این صورت توضیح داد که جریان پیوسته آب در لوله مقدار معینی انرژی است. مقدار این انرژی به سرعت جریان و

آفریده است که به طور معمول دانش پایه و واژگان پایه‌شان، اگر آموخته‌های دوران دبیرستانشان را فراموش نکرده باشند، باری، بیش از آن توسعه نیافته است. بدین ترتیب، تمایل بیشتر به سوی نوجوانان و جوانان، دامنه مخاطبان بالقوه فرهنگنامه را بسیار توسعه داده است.

□ □ □

فرهنگنامه همانطور که ناشر آن با سرافرازی یاد کرده است، اثری گرانبها و کم‌نظیر در زبان فارسی است (سخن ناشر، همانجا) و درواقع هدیه جامعه روشنفکر و کارشناس ایرانی به همزبانان و هموطنان است.

اما آنچه هر دوستدار فرهنگنامه را در بیم و امید نگه می‌دارد ادامه یافتن کار و به سرانجام رسیدن به موقع آن است.

هرچند تهیه کنندگان بلندهمت فرهنگنامه خود به خوبی به عظمت کاری که در پیش گرفته‌اند واقف اند و می‌دانند که «تهیه فرهنگنامه برای کودکان و نوجوانان ایرانی کاری است تازه، بنیادین، گسترده و دشوار» (مقدمه، ص بیست و دو)، باز «انقطاع» این، احتمالاً مداوم‌ترین سنت در فرهنگ ما، شخص را دل‌نگران می‌کند. شمار فراوان آثار دایرةالمعارف فارسی ناتمام یا گُند حرکت براین نگرانی دامن می‌زند. به بن‌بست انتشار آخرین جلد دایرةالمعارف فارسی، این تنها دایرةالمعارف عمومی فارسی به معنای واقع کلمه، پیش از این اشاره شد. داستان مکرر کارهای متوقف شده یا گُند حرکت، به ناچار این سؤال را به ذهن می‌آورد که آیا روند انتشار فرهنگنامه با آهنگی مطلوب ادامه خواهد یافت.

در مقدمه فرهنگنامه شرحی از دشواریهایی که شورای کتاب کودک تا این زمان پشت سر گذاشته یا آنها را دور زده، آمده است؛ که در رأس آنها باید از مشکلات مالی نام برد. این مشکلات سبب شده است که انتشار جلد حاضر بیش از برنامه پیش‌بینی شده به طول بینجامد (مقدمه، ص هفت) و نیز به کار بستن بعضی از «طرحها و برنامه‌ها» در مورد آن غیرممکن شود (مقدمه، ص بیست و پنج). این درحالی است که بیشتر کارهای فرهنگنامه از راه خدمت افراد داوطلب و علاقه‌مند اداره شده است و بیشتر مقاله‌های آن را همکاران و دوستان شوراهای تهیه و به آن هدیه کرده‌اند (مقدمه، ص بیست و یک). ایجاد «شرکت تهیه و نشر فرهنگنامه کودکان و نوجوانان» تدبیری بوده است که شورا برای خروج از بن‌بست مالی در سال ۱۳۶۶ به کار برده است (مقدمه، ص هفت). ولی آیا نمی‌توان امید داشت که یکی از سازمانها یا نهادهای دولتی که عهده‌دار امور آموزشی و پرورشی یا

فرهنگی هستند، با تخصیص اعتباری که در مقایسه با سایر هزینه‌ها، چندان هم نمی‌تواند چشمگیر باشد، به یاری شورای کتاب کودک بشتابند و سهم خود را در انتشار فرهنگنامه، در کنار سایر کسانی که داوطلبانه و بی‌هیچ چشمداشت، عمر و دانش خود را صرف آن کرده‌اند، ادا کنند. به یاد داشته باشیم که اگر قرار بود طرحی مشابه فرهنگنامه تماماً به ابتکار یک سازمان دولتی اجرا می‌شد، چه مایه هزینه و انرژی صرف آن می‌گردید. حال که چنین اهمیتی خود انجام گرفته است و سازمانی برای این منظور شکل گرفته است، چه خوب است که از آن حمایت شود.

توضیحات:

۱. با احتساب نقشه‌ها و تصاویرها، نمودارها و جدولهای دانستی‌ها.
۲. برای آگاهی از درجه انطباق زبان گفتاری با زبان ادبی کهن، نگاه کنید به: ابوالحسن نجفی، غلط‌نویسیم، ویرایش ۲ (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۰)، ص ۱۰۹. تکرار فعل؛ ص ۴۰۴: واو عطف و ویرگول.